

■ باز شناسی يك منبع دست اول برای تاریخ اجتماعی ایران
(نسخه خطی دفتر مفصل لوی [ایالت] ارومیه و خلخال)

محمد سلماسی زاده | یاغشی خانم نصیراوا

■ چکیده

هدف: هدف اصلی این مقاله شناساندن نسخه خطی دفتر مفصل لوی ارومیه و خلخال و توصیف کلی محتوای آن، و تبیین اهمیت تاریخی چنین آثاری در پژوهش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران می‌باشد.

روش/رویکرد پژوهش: روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است که در پاره‌ای از موارد به تبیین ابعادی از تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران در نیمه اول قرن ۱۲ ق.م. در منطقه ارومیه منجر می‌شود.

یافته و نتایج: پژوهشگران تاریخ ایران در تحلیل وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور در سده ۱۲ ق. با معضل بزرگی بنام کمبود منابع دست اول تاریخی مواجه هستند. این امر ضرورت تلاشی روز افزون برای جستجو و بازشناسی دیگر منابع معتبر تاریخی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. یکی از منابع معتبر و رسمی که از خلال آن می‌توان داده‌های با ارزشی از تاریخ اجتماعی - اقتصادی این عصر را بازیابی کرد گزارش‌ها، اسناد و مدارکی است که کارگزاران امپراتوری عثمانی درباره ایران در زمان اشغال بخش‌هایی از ایران تهیه کرده‌اند. مجموعه‌هایی به نام «دفاتر تحریر عثمانی» بخشی از مهم‌ترین این اسناد می‌باشد که با ثبت سیاهه‌هایی دقیق از اسامی افراد، وضعیت اشتغال آنان، انواع و میزان محصولات تولیدی، تنوع قومی - مذهبی و تقسیمات جغرافیایی - اداری مناطق اشغالی؛ نسبت به شناسایی میزان درآمد ساکنان و تعیین مقدار مالیات‌هایی که باید بپردازند اقدام کرده است «دفتر تحریر لوی خلخال و ارومیه و سنجاق سلماس» یکی از این نمونه‌هاست که در يك نسخه منحصر به فرد به شماره ۹۱۰ در آرشیوی نخست‌وزیری عثمانی در استانبول نگاهداری می‌شود. یافته‌های پژوهش ضمن تأیید فرضیه اولیه مشخص ساخت که اطلاعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در چنین اسنادی آنچنان با اهمیت تلقی می‌شود که ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در شناسایی و استفاده از آن برای محققان عرصه تاریخ اجتماعی ایران به حساب می‌آید.

کلیدواژه‌ها

دفاتر تحریر/دفتر مفصل ارومیه/انواع مالیات/جمعیت‌شناسی/تولیدات و محصولات کشاورزی/
ترکیب قومی- نژادی و مذهبی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و سوم، دفتر دوم، (تابستان ۱۳۹۲)، ۲۱-۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۵ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۶

باز شناسی يك منبع دست اول برای تاریخ اجتماعی ایران (نسخه خطی) دفتر مفصل لوای [ایالت] ارومیه و خلخال

محمد سلماسی زاده^۱ | یاخشی خانم نصیراوا^۲

مقدمه

با سقوط اصفهان در ۱۱۳۵ ق. / ۱۷۲۲ به دست افغانه، حکومت ۲۲۲ ساله صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ ق. / ۱۵۰۱-۱۷۲۲) پایان یافت و همزمان، مرزهای کشور از شمال و غرب مورد هجوم روسیه و عثمانی قرار گرفت. عثمانی‌ها از همین زمان، پاشایان مرزی را مأمور تصرف مناطق غربی و شمال غربی ایران کردند و بدین سان از گرجستان تا شیروان و از آذربایجان تا کرمانشاه و همدان به تصرف ایشان درآمد (آوری، ۱۳۸۹، ص ۳۴)؛ این درحالی بود که تنها دو سال پیش از آن، هم فرستاده روسیه، ارتمی ولینسکی^۳، و هم فرستاده عثمانی‌ها، دوری افندی^۴، پیش‌بینی کرده بودند که ایران در سرآشویی زوال و انحطاط جدی و پرسرعتی قرار دارد (لاکهارت، ۱۳۳۱، صص ۱۳-۱۴). در تابستان ۱۱۳۶ ق. / ۱۷۲۳ اشغال مناطق غربی ایران توسط عثمانی‌ها تا ۱۷۲۴ طول کشید و در ۲۴ ژوئن همین سال، روسیه و عثمانی پیمانی را امضا و مناطق متصرفی در شمال و غرب ایران را میان خود تقسیم کردند. در ۱۱۳۸ ق. / ۱۷۲۵، تبریز هم به تصرف عثمانی‌ها درآمد (لاکهارت، ۱۳۳۱، صص ۲۲-۲۳) و راهبرد دیرین عثمانی‌ها در الحاق دائمی این مناطق به امپراتوری با جدیت بیشتری دنبال شد. اما با ظهور نادرشاه افشار و پیروزی‌های نظامی وی، سرانجام این مناطق، پس از ۱۳ سال اشغال، طی قراردادی که در ۱۱۴۹ ق. / ۱۷۳۶ به امضای دو کشور رسید، مجدداً به عنوان بخشی از ایران به رسمیت شناخته شد و ده سال بعد، در ۱۱۵۹ ق. / ۱۷۴۶ عهدنامه نهایی هم با همین مضمون به امضای طرفین رسید (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳-۱۷۵).

۱. استادیار تاریخ ایران

دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری شرق شناسی، آکادمی

ملی جمهوری آذربایجان، باکو، آذربایجان

3. Volinsky Artemi

4. Duri Efendi



عثمانی‌ها، که با بهره‌برداری از نارضایتی‌های عمومی اواخر دوران صفوی (آرونووا، ۱۳۵۲، صص ۵۳-۵۴) نقشه‌الحاق دائمی این مناطق را در سر می‌پروراندند، در تلاش برای استقرار تشکیلات اداری-مالی خود، سیاهه‌های مالیاتی تهیه و نسبت به اخذ مالیات از مردم مناطق اشغالی اقدام کردند (فلور، ۱۳۳۸، ص ۸۴). این سیاهه‌ها، که با نام «دفاتر مفصل» شناخته شده است، شامل اسامی تمامی اهالی مناطق اشغالی، نوع اشتغال، میزان درآمد، و مقدار مالیات پرداختی بود و افزون بر آن از وضعیت قومی-نژادی و مذهبی اقوام ساکن هم سخن می‌گوید و از همین رو، به‌عنوان منابعی معتبر و دست‌اول درباره تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران سزاوار مطالعه و بهره‌برداری می‌باشد.

ارزش منحصر به فرد دفاتر

این دفاتر، به‌منظور شناسایی ظرفیت‌های اقتصادی-اجتماعی مناطق اشغالی و تبیین وضعیت فرهنگی آن تنظیم شده است. فرمان‌هایی که ضرورت تدوین چنین دفاتری را معین می‌کند در آرشیو نخست‌وزیری عثمانی، در بخش دفاتر مهمه (MD) به شماره‌های ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۶ نگهداری می‌شوند (اوزگودنلی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۹۹). دفاتر مهمه، مجموعه دفاتری است که نامه‌های بسیار مهم عثمانی‌ها در آن ثبت شده است و داده‌های آن درباره ساختار نهادهای اداری امپراتوری عثمانی و کارکرد و روابط این نهادها با یکدیگر می‌باشد و در مجموع، ۲۶۶ دفتر مهمه، مربوط به سال‌های ۱۵۵۳-۱۹۰۵ در این آرشیو نگهداری می‌شود که محققان می‌توانند جهت گردآوری اطلاعات درباره روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، و نظامی بین عثمانی‌ها و همسایگان‌شان از آن استفاده کنند (اوزگودنلی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

بخش دیگری از این آرشیو بزرگ، مجموعه‌هایی است که با نام «دفاتر تحریر» شناخته شده‌اند که به دو صورت مفصل و مجمل به ثبت فهرستی بسیار دقیق از مسائل اجتماعی، اقتصادی، جمعیت‌شناسی، و حقوقی مناطق مفتوحه می‌پردازد. از مجموع این دفاتر، ۳۰ مورد مربوط به ایران است که ۱۳ مورد آن به صورت مفصل نوشته شده است. این اسناد مربوط به سال‌های ۱۷۲۴-۱۷۲۹ و درباره آذربایجان و شمال-غرب ایران است (اوزگودنلی، ۱۳۹۰، صص ۹۶-۹۷). به‌عبارتی دقیق‌تر، این دفاتر شامل سیاهه‌های مالیاتی درباره مناطق اردبیل، ماکو، تبریز، خوی، قپان و قره داغ، مراغه و ساوجبلاغ، خلخال و ارومیه و سلماس، کرمانشاهان و لرستان، و همدان است (اوزگودنلی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۸۰۰). در عین حال، بخش دیگری از این دفاتر مرتبط با تاریخ اروپا و سرزمین‌های فتح شده آن به‌دست عثمانی‌هاست که از سال‌ها قبل توسط محققان تاریخ اروپا مورد شناسایی و بهره‌برداری قرار گرفته و به‌عنوان

1. Mühimme Defterleri



منبعی اصیل در مطالعات تاریخ اجتماعی آن مناطق، در کنار تواریخ محلی در سده‌های ۱۵ و ۱۶م. مورد استناد بوده است (Coşgel, 2004, p.87).

دفاتر تحریر، نخستین بار توسط برنارد لوئیس معرفی شد و اهمیت آن مورد تأکید قرار گرفت (اوزگودنلی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۹۹). در ادامه، در ۱۳۹۰ ش.، چاپ دو مقاله از عثمان اوزگودنلی و همکارانش، امکان آشنایی پژوهشگران تاریخ اجتماعی ایران را با اوصاف عمومی و کلیات منبع‌شناسی این مجموعه‌ها فراهم کرد؛ هرچند در هیچ‌یک از این دو اثر محتوای دفاتر به صورت جزئی و خاص و همه‌جانبه-آنطور که در این مقاله ارائه شده-مورد بررسی قرار نگرفته است.

«دفتر مفصل لوای خلخال و لوای ارومیه و سنجاق سلماس» در ۴۰۹ صفحه، با شماره ۹۱۰، در «مرکز اسناد و آرشیو صدارت عظمای عثمانی» در استانبول نگهداری می‌شود.^۱ از مجموعه دفاتر مرتبط با حوزه جغرافیای تاریخی ایران، تنها در دفاتر لوای ایروان^۲، گنجه-قرباغ^۳، طغرای سلطان عثمانی، و قانون‌نامه مالیاتی این امپراتوری وجود دارد؛ اما **دفتر لوای ارومیه و خلخال** فاقد آن می‌باشد و از این رو، تعیین تاریخی دقیق برای تحریر این دفتر غیرممکن است، هرچند با مراجعه به منابع دیگر می‌توان تاریخ تحریر این دفتر را نیز معین کرد. از جمله به استناد نوشته یک مورخ نزدیک به زمان حادثه، اسماعیل عاصم چلبی‌زاده، مشخص می‌شود که در ۱۷۲۵م. حکومت این ناحیه از سوی سرعسگر عثمانی، عبدالله‌پاشا، به شرط قبول تابعیت عثمانی، به حاکم آن عصر ارومیه، به نام محمدخان واگذار شده است (Çelebizade, 1282, p.328)

از سوی دیگر، در سندی تاریخی مبنی بر لزوم نگارش دفاتر تحریر مالیاتی، که در فوریه ۱۷۲۶، از سوی سرفرماندهی نظامی عثمانی‌ها در تبریز صادر شده، حکم شده است که برای شهرهای تبریز، همدان، کرمانشاه ... خوی، تسوج، و ارومیه چنین دفاتری تنظیم گردد (Mühimme Defterleri. N 133. hnr. 1. s. 76)

هرچند مشخص نیست که این دفاتر از همین سال یا سال بعد تحریر شده باشند، به نظر می‌رسد که تهیه چنین سیاهه‌های دقیقی، ارسال آن به صدارت عظمای عثمانی، و بررسی و تأیید ارقام نهایی از سوی آن مرکز؛ طی یک سال کار بسیار مشکلی بوده است و از همین رو، برخی مورخان بر این باورند که زمان تکمیل این دفتر سال ۱۷۲۸م. می‌باشد (Bilgili, 2004, p.2) این امر خود گویای آن است که عثمانی‌ها برای به دست آوردن منافع اقتصادی این مناطق و داخل کردن آن در سازوکارهای اقتصادی امپراتوریشان به فکر تحریر چنین دفاتری افتاده‌اند. بدین منظور، مأموران و امنای دولت و در ادامه کاتبان دیوانی و مالیاتی امپراتوری عثمانی به این مناطق آمده‌اند و با کمک مأموران و قاضیان مورد اعتماد محلی به این کار اقدام کرده‌اند و دقت

1. Defter-i mufassal liva-i Xalkal və liva-i Urumi-İstanbul Başbakanlık Osmanlı Arşivi, Tapu-tahrir defterleri, N 910 -409 s.
2. Defter-i icmal eyalet-i Revan. İstanbul, Başbakanlık Arşivi, Tapu-tahrir defterleri. N 681- 341 s.
3. Defter-i icmal eyaleti Gence-Karabağ. İstanbul, Başbakanlık Arşivi, Tapu-tahrir defterleri, N 699 - 289 s.



داشته‌اند که هیچ‌کس از قلم نیفتند. ایشان، با گردش خانه به خانه، همه کسان را که قابلیت کار و کسب درآمد داشتند معین و میزان مالیاتشان را مشخص کرده، و اسامی تمامی مردان متأهل یا مجردی را که دارای درآمد بودند در سپاه‌هایی دقیق ثبت کردند.

دفتر تحریر لوای مفصل ارومیه و خلخال نیز با چنین ویژگی‌هایی در آرشیو صدارت عظمای عثمانی در بخش تاپو تحریر^۱ نگهداری می‌شود.

مشخصات ظاهری دفتر ارومیه

دفتر لواهای خلخال و ارومیه، در اندازه $20 \times 53/5$ سانتی‌متر و در ۴۰۹ ص، با جلد چرمی سیاه نگهداری می‌شود، و برخی قسمت‌های آن فرسوده و پوسیده شده است. در گوشه بالایی آن نیز کمی فرسودگی وجود دارد؛ اما در کل سالم، تمیز، و خواناست (اوزگودنلی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۸۰۵).

این دفتر، به خط سیاق نوشته شده است، خطی که تداخل حروف بی‌نقطه آن امر خواندن را مشکل می‌سازد، و مانند دیگر دفاتر مشابه فاقد اسامی شخص یا اشخاص پدیدآورنده یا کتابت‌کننده می‌باشد. هر صفحه از این نسخه خطی در دو ستون ۱۷ سطری تنظیم شده است و هر ستون مانند یک صفحه شماره‌گذاری شده است. برخی صفحه‌های سفید و ناخوانا هم در آن وجود دارد که در عین حال همگی دارای شماره می‌باشد، این صفحه‌ها عبارت‌اند از: یک صفحه در ابتدا و دو صفحه در انتهای نسخه و همچنین صفحه‌های: ۱۴، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۶۸-۱۷۰، ۱۷۶-۱۷۸، ۳۳۸، و ۳۵۴-۳۵۷.

نسخه، با فهرستی که در ابتدای سند آمده و اطلاعات مربوط به هر بخش را مشخص ساخته آغاز می‌شود. صفحه‌های ۳-۱۷۰ مربوط به خلخال، ۱۷۱-۳۵۷ مربوط به ارومیه، و ۳۵۸-۴۰۹ مربوط به سلماس است.

در مقاله حاضر، اطلاعات مربوط به لوای ارومیه مورد نقد و بررسی و استنتاج و استنباط قرار گرفته است.

اوضاع اجتماعی-اقتصادی لوای (ایالت) ارومیه

در منابع رسمی تاریخنگاری این دوران، درباره اوضاع اجتماعی-اقتصادی این منطقه، مردم‌شناسی ساکنان آن، و نوع حرف و پیشه‌های ایشان، نوع خاک و سرزمین، و دیگر موضوع‌های فرهنگی، اطلاعات اندکی وجود دارد و خوشبختانه چنین اطلاعات ارزشمندی را از این نسخه خطی منحصر به فرد می‌توان به دست آورد. در این نسخه، اسامی بخش‌ها و نواحی مختلف لوای (ایالت) ارومیه، اسامی روستا(قریه)های هر ناحیه و نام تمامی مؤدیان

۱. تاپو تحریر نامی است که در آرشیو صدارت عظمای عثمانی در استانبول به مجموعه این دفاتر مالیاتی اطلاق می‌گردد.

۲. - این خط که از قدیمی‌ترین نوع الفبای عربی شکل گرفته، در دوره عباسیان در عراق ایجاد گردید و در عصر سلاجقه به آناتولی رفت و در سراسر امپراتوری عثمانی برای تحریر اسناد مالی-اداری و نوشتن وقفنامه‌ها به کار گرفته شد (Gundar, 1989, p.1)



مالیاتی قید گردیده است. در هر صفحه، اسامی، در ۵ ستون ثبت شده و نام هر فرد، نام پدر، نوع مالیاتی که باید پردازد، نوع و مقدار محصولی که مشمول مالیات گشته، و میزان مالیاتی که به صورت جنسی یا نقدی باید پردازد مشخص شده است و در پایان، مجموع مبالغی که هر ده باید به خزانه پردازد مشخص و معین شده است. پرداخت‌های نقدی، معمولاً با پول نقره‌ای کوچکی به نام آغچا انجام می‌گرفت. هر آغچا، معادل ۱/۱۵۴ گرم نقره بوده است.

به استناد این متن، در آن زمان، در ترکیب لوای ارومیه، یک شهر (ارومیه) و ۷ ناحیه به شرح زیر وجود داشته است:

بنا پروازه^۲، بلده^۳، صحرا آباد^۴، دل^۵، مرکور^۶، ترکور^۷، اشنی^۸.

لوای ارومیه، همچنین دارای ۳۲۰ روستا، ۷ مزرعه، و یک بیلاق بوده است. این آمار به صورت جزئی‌تر به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱. در ناحیه بنا پروازه ۹۱ روستا و ۲ مزرعه،

۲. در ناحیه بلده ۵۸ روستا،

۳. در ناحیه صحرا آباد ۶۰ روستا و ۲ مزرعه،

۴. در ناحیه دل ۱۷ روستا و ۲ مزرعه،

۵. در ناحیه مرکور ۴۱ روستا و یک مزرعه و یک بیلاق،

۶. در ناحیه ترکور ۲۰ روستا، و

۷. در ناحیه اشنی ۳۱ روستا (دفتر مفصل لوای ارومیه، صص ۳-۴).

مشخص کردن منابع مالیاتی و تعیین اسامی کسانی که باید مالیات پردازند، یکی از مهم‌ترین اهداف ترتیب این دفتر است. رعایا، بر اساس مقدار زمینی که در اختیار داشتند باید یکی از انواع مالیات‌های زیر را به خزانه پرداخت می‌کردند:

۱. چیفت^۹،

۲. نیم‌چیفت^{۱۰}،

۳. بناک^{۱۱}،

۴. مجرد^{۱۲}،

۵. جبا^{۱۳}، و

۶. اسپنجه^{۱۴}.

اگر رعیتی متأهل بود و به اندازه کفایت زمین داشت، باید مالیات «چیفت» را پرداخت می‌کرد که مقدار آن ۵۰ آغچا بود. کسانی که نصف چیفت زمین داشتند، مالیات «نیم‌چیفت» را که معادل ۲۵ آغچا بود پرداخت می‌کردند؛ و افراد متأهلی که کمتر از این مقدار زمین

۱. پول نقره‌ای کوچکی که نخستین بار در ۱۳۲۸ ق. در بوسا ضرب شد. در ابتدا ۶ قیراط یا ۱/۱۵۴ گرم بود، اما طی سده ۱۸ م. ارزش خود را به طرز شگفت‌انگیزی از دست داد و معادل یک قروش گشت (Тверитиновой, 1963, p.193)

2. Bonarqvazə

3. Baldo

4. Sahrabad

5. Dol

6. Mərkəvər

7. Tərkəvər

8. Uşni

9. çift

10. nim çift

11. bənak

12. mücərrəd

13. caba

14. ispanco



داشتند، ۱۸ آغچا به عنوان مالیات «بناک» می پرداختند. رعایای متأهلی که از خود زمین و درآمد اختصاصی نداشتند، باید مالیات «جبا» را می پرداختند، که معادل ۱۲ آغچا بود. رعایای مسلمان و مجردی که زمین نداشتند، ۶ آغچا به عنوان مالیات «مجرد» می پرداختند و غیرمسلمانان، بدون توجه به مجرد یا متأهل بودنشان، باید ۲۵ آغچا به عنوان «اسپنجه» مالیات پرداخت می کردند (دفتر مفصل لوای ارومیه، صص ۱۸۷-۳۵۰)

اطلاعات بیشتر مربوط به تعداد مؤدیان مالیاتی و نوع مالیات هر ناحیه و شهر ارومیه در جدول ۱ قابل ملاحظه است.

نوع مالیات	بناروازه	بلده	صحراآباد	دل	مرکور	ترکور	اشنی	شهر ارومیه	جمع
چیف	۶۶۲	۱۴۱	۲۶	۹۱	۶۴	۰۱	۰۶	۹۵	۳۶۶
نیم چیف	۸۱۱	۹۷	۸۲	۰۱	۸	--	۸۲	--	۱۷۲
بناک	۹۱۵	۱۹۱	۳۹	۴۲	۲۷	۱۱	۰۰۱	--	۰۱۰۱
مجرد	۳۴۲	۷۹	۹۲	۱۱	۲۱	۴	۲۴	--	۸۳۴
اسپنجه	۶۳۳	۱۴۱	۱۴	--	--	۳۷	۴۲	۲۵	۷۶۶
جبا	۳	--	--	--	--	--	--	--	۳

جدول ۱

تعداد مؤدیان مالیاتی
و نوع مالیات ارومیه و اطراف آن

بر اساس مستندات جدول ۱، که از صفحه های ۱۷۸-۳۵۰ استخراج شده است، در زمان مذکور، در لوای- ارومیه، تعداد ۳۰۵۲ مؤدی مالیاتی ثبت شده است. از میان ایشان، ۱۸۹۴ نفر دارای زمین کافی (چیف) برای زراعت بودند. بیشترین پرداخت کنندگان مالیاتی در نواحی بناروازه و بلده زندگی می کردند. در نتیجه، مشخص می شود بیشترین تراکم جمعیت مسلمان و غیرمسلمان در این نواحی بوده است. بر اساس جدول ۱، می توان مجموعه زمین های کشت شده در لوای ارومیه را محاسبه کرد. بر اساس قانون نامه های مالیاتی عثمانی، اندازه یک چیفت، بسته به قابلیت باروری آن، ما بین ۶۰ تا ۱۵۰ گردش بوده است (Тверитиновой, 1963, p. 30) و میزان یک گردش، به استناد همین قانون نامه ها ۴۰ قدم در ۴۰ قدم بوده است که به طور تخمینی برابر با ۹۱۹/۳ متر مربع می شود (Тверитиновой, 1963, p. 199). حال، اگر هر چیفت را به طور متوسط ۱۰۵ گردش حساب کنیم، می توان مقدار اراضی زیر کشت را به دست آورد؛ یعنی بر اساس فرمول « $۹۱۹/۳ \times ۱۰۵ \times$ تعداد چیفت ها». برای تکمیل این محاسبه، باید تعداد



نیم چيفت‌ها را هم به چيفت تبدیل کرد و با توجه به اینکه در لوای ارومیه، ۲۷۱ نیم چيفت بوده است، با تقسیم بر دو، می‌توان آن را به ۱۳۵/۵ چيفت تبدیل کرد و با افزودن ۶۳۳ چيفت موجود (۷۳۷/۵ = ۱۳۵/۵ + ۶۳۳) رقم ۷۳۷/۵ چيفت به دست می‌آید که با ضرب آن در مقدار تخمینی و متوسط هر چيفت (متر مربع $۹۶۵۲۶۷۵ = ۱۰۵ \times ۹۱۹/۵$) یعنی حدود نه و نیم هکتار (۹/۶۵۲ هکتار) به ازای هر چيفت به دست می‌آید، که می‌توان فهمید در زمان مورد نظر در مجموع در لوای ارومیه ۷۴۱۸ هکتار اراضی کشت شده وجود داشته است.

لازم به ذکر است که نتایج به دست آمده بر اساس محاسبه مقدار چيفت‌ها و نیم چيفت‌هاست و بدیهی است که با افزودن ارقام بناک و اسپنجه می‌توان فهمید که رقم دقیق زمین‌های کشت شده کمی بیشتر از این مقدار بوده است.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

ویژگی منحصر به فرد دیگر این اثر، توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناسی این منطقه است. این داده‌های نادر برای تبیین ساختار اجتماعی - اقتصادی منطقه بسیار با اهمیت تلقی می‌شود. به استناد این داده‌ها و بر اساس سرشماری‌هایی که به منظور اخذ مالیات انجام شده مشخص می‌شود، انواع توده‌های جمعیتی در منطقه وجود داشته است. این تقسیم‌بندی شامل ترکیب‌های نژادی - قومی، وضعیت اشتغال در شهر و روستاها، و سایر زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. با بررسی نسخه مشخص می‌شود که اقتصاد کشاورزی منطقه، مبتنی بر فنون کشت و زرع غلات، باغداری، دامداری و زنبورداری بوده است و بیشترین بخش نیروی کار با تمرکز در این قسمت‌ها، بخش اعظم درآمدهای مالیاتی را به خزانه پرداخت می‌کردند. نباید از نظر دور داشت که در دوره مورد نظر منطقه عمومی آذربایجان درگیر کشمکش‌های سیاسی و نظامی پرشماری میان قدرت‌طلبان داخلی و استیلاگران خارجی بوده است که این خود به صورت گسترده‌ای بر مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی تأثیر گذار بوده است. بخشی از خسارات زیانبار و گسترده‌ای را که اهالی این منطقه طی این درگیری‌ها تحمل کرده‌اند می‌توان از خلال منابع تاریخی این دوره مورد واکاوی قرار داد. افزون بر جنگ‌های صفویان و عثمانی‌ها و منازعات داخلی، شیوع بیماری‌های متنوع، تأثیر نمایانی بر وضعیت اقتصادی و شیوه معیشت اهالی داشته و در نتیجه، کوچ‌های اجباری اهالی منطقه افزایش یافته است. در **دفتر مفصل ارومیه**، با سامی روستاهایی مواجه می‌شویم که در مقابل آن عبارت « خالی عن الرعیه » ذکر شده است و حاکی از کوچ دسته جمعی اهالی از چنین روستاهایی می‌باشد. برای نمونه، در صفحه ۳۵۰، روستای جینجه^۱ خالی از رعیت ذکر شده است.

افزون بر دلایل پیش گفته می‌توان شرایط سخت زندگی در روستا و مالیات‌های روزافزون

1. Karye-i Cebnece



را هم از عوامل مهاجرت روستاییان به شهرها دانست. این کوچ‌های اجباری تغییرات زیادی در ترکیب جمعیت، تنوع قومی-نژادی، تراکم انسانی، و وضعیت اقتصادی-اجتماعی منطقه ایجاد کرد که دانسته‌های ارزشمندی در نسخه خطی حاضر در باره آن وجود دارد. به استناد سپاه‌های موجود در دفتر مفصل ارومیه، در زمان تحریر این اثر، ۴۳۳۴ مودی مالیاتی با ترکیب‌های نژادی متفاوت در منطقه وجود داشته است. بیشترین بخش جمعیت به طوایف و عشایر کوچنده اختصاص داشته است که میان ییلاق و قشلاق زندگی پر تحرکی را تجربه می‌کردند. در این نسخه، همچنین، از وجود گروه‌های جمعیتی زرتشتیان^۱ و یهودیان و محل اسکان‌شان در منطقه یاد شده است (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۱۱).

همانگونه که گفته شد، اهالی منطقه بیشتر به کار کشاورزی و دامداری مشغول بوده‌اند که از این میان عشایر و طوایف ترک، ترکمن، و کرد به صورت کوچنده و نیمه کوچنده به کار دامداری، و یکجانشینان به کشاورزی اشتغال داشتند. نقش عشایر کوچنده در حیات اقتصادی-اجتماعی منطقه بسیار پراهمیت بوده است (Piguļevskaja, 1958, p.282). به استناد این نسخه، بیشترین تراکم جمعیتی عشایر و طوایف در شهر ارومیه و مناطق بناپروازه، بلده، و صحرا آباد بوده است که از میان انبوه نام‌های ایشان می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد:

آراشلی^۲، قالامانلی^۳، کردعلیلی^۴، بابالی^۵، حیدرلی^۶، برایمانلی^۷، عربلی^۸، سیدلی^۹، گوندوزلو^{۱۰}، گنجه‌لی^{۱۱}، ساری نظرلی^{۱۲}، قارالی^{۱۳}، علی بی‌لی^{۱۴}، قراحسن‌لی^{۱۵}، قراپیرلی^{۱۶}، قاسم‌لی^{۱۷}، گرخلی^{۱۸}، و ساری حسن‌لی^{۱۹}.

نکته جالب توجه اینکه در برخی از این مناطق، مسلمانان و غیرمسلمانان در یک روستا و در کنار هم زندگی می‌کردند. به استناد همین منبع، در شهر ارومیه و نواحی بناپروازه، بلده، ترکور، و اشنی؛ مسلمانان، زرتشتیان، و غیرمسلمانان- که نوع دینشان مشخص نشده و تنها به دلیل پرداخت مالیات اسپنجه می‌توان فهمید که غیرمسلمان هستند- سکونت داشتند و نیز مشخص می‌شود که در شهر ارومیه از میان گروه‌های نژادی و دینی دیگر، یهودیان هم وجود داشتند و مالیات اسپنجه را به میزان ۱۲۰ آغچا پرداخت می‌کردند، در حالی که دیگران ۲۵ آغچا مالیات می‌دادند.

به استناد داده‌های اطلاعاتی استخراج شده از این دفتر (صص ۱۷۰-۳۵۷) وضعیت جمعیت‌شناسی در لوای ارومیه به شرح جدول ۲ ارائه می‌گردد.

1. Gebran
2. Araşlı
3. Qalamanlı
4. Kürd Öllü
5. Babalı
6. Heydərli
7. Bor İmanlı
8. Ərəbli
9. Seyidli
10. Gündüzlü
11. Gəncəli
12. Sarı Nəzərli
13. Qaralı
14. Əlibəyli
15. Qara Həsənli
16. Qara Pırlı
17. Qasımlı
18. Qırxdı
19. Sarı Həsənli



نواحی	ترک و ترکمن	غیر مسلمانان و گبران (زرتشتی)	یهودی
بنابر وازه	یکجانشین ۳۹۷ نفر کوچنده ۸۱ نفر	۲۰۲ نفر (گبر)	--
بلده	یکجانشین ۱۵۶ نفر کوچنده ۳۱۹ نفر	۹۶ نفر غیر مسلمان و ۲۲ نفر گبر	--
صحراآباد	یکجانشین ۵۲ نفر کوچنده ۱۶۴ نفر	۲۷ نفر غیر مسلمان و ۱۳ نفر گبر	--
دل	۶۴ نفر یکجانشین	--	--
مرکور	یکجانشین ۱۲۹ نفر کوچنده ۱۳ نفر	--	--
ترکور	یکجانشین ۲۲ نفر کوچنده ۵۳ نفر	۷۴ نفر غیر مسلمان و ۵ نفر گبر	--
اشنی	یکجانشین ۲۳۹ نفر	۲۰ نفر غیر مسلمان و ۱۵ نفر گبر	--
شهر ارومیه	یکجانشین ۱۱۱ نفر کوچنده ۱۳۴۳ نفر	۳ نفر غیر مسلمان و ۴ نفر گبر	۵۴
مجموع	یکجانشین ۱۱۰۳ نفر (۲۵/۴ درصد) کوچنده ۲۶۵۸ نفر (۶۱/۴ درصد)	۵۲۸ نفر (۱۲/۲ درصد)	۵۴ (۱ درصد)

جدول ۲

وضعیت جمعیت شناسی
در لوی ارومیه

همانگونه که از جدول ۲ بر می آید از مجموع ۴۳۳۴ مودی مالیاتی، ۲۵/۴ درصد یکجانشین، ۶۱/۴ درصد کوچنده، ۱۲/۲ درصد غیر مسلمان (زرتشتیان و سایر غیر مسلمانان) و حدود یک درصد یهودی بوده اند. حال، اگر متوسط هر خانوار را ۵ نفر فرض کنیم، معلوم می شود که در تاریخ فوق جمعیت لوی ارومیه بالغ بر ۲۱/۶۷۰ نفر بوده است. به استناد همین داده ها، مشخص می شود که در نواحی دل و مرکور، غیر مسلمانان ساکن نبوده اند و در ناحیه «دل» تنها عشایر کوچنده زندگی می کردند و چنین بر می آید که در این نواحی تنها ترکان سکونت داشته اند.

وضعیت شهر ارومیه

ارومیه، به عنوان مرکز اقتصادی نواحی اطراف خود محسوب می شد و وضعیت متفاوتی با سایر مناطق لوی ارومیه داشت (Mustafaev, 1994, p.125). بازارهای شهر به مرکزی برای خرید و فروش محصولات کشاورزی روستاییان و عشایر تبدیل شده بود و قرار گرفتن آن بر سر راه های تجارتهای که اشنی، خلخال، سلماس، و دیگر روستاها را به هم متصل می کرد، تأثیر نمایانی بر شیوه زندگی مردم ارومیه نهاده بود و اهالی می توانستند از طریق راه های تجاری زیر مازاد محصولاتشان را به خارج از منطقه بفرستند:

۱. راه تبریز - سلماس - جزیره - حلب - لاذقیه؛
۲. راه همدان - زنجان - میانه - خلخال؛ و



۳. راه اردبیل - مراغه - اشنی - بارکری (Bilgili, 2004, p. 181).

همچنین، شهر ارومیه، به خاطر این موقعیت خود به عنوان یک مرکز اصلی گمرکی برای صادرات و واردات کالا به حساب می‌آید و راه‌های کاروان‌رو، این شهر را به مراکز بازرگانی دیگری مانند سلماس، ماکو، بازرگان، مرند، تبریز، جلفا، مراغه، صائین قلعه، کردستان، و سایر مناطق و شهرها متصل می‌ساخت.

گسترش تجارت خارجی و داخلی بر ترکیب نژادی جمعیت ارومیه تأثیر بزرگی نهاد که وجود کوچ‌نشینان، یکجانشینان، مسلمانان، زرتشتیان، و غیرمسلمانان دیگر خود نشانه این تنوع قومی - مذهبی می‌باشد. در زمان نگارش دفتر تحریر در شهر ارومیه، اسامی ۱۵۰۶ نفر مودی مالیاتی ثبت شده که از میان ایشان ۱۴۵۴ نفر مسلمان، ۴۵ نفر یهودی، و ۷ نفر غیرمسلمان (مسیحی) بودند یعنی ۹۶۷٪ درصد مسلمان، ۳/۱ درصد یهودی، و ۰/۵ درصد غیرمسلمان. همچنین، ۱۲۰۰ نفر از اهالی، یعنی ۷۹/۶ درصد جزء کوچندگان عشایری محسوب می‌شدند که به گفته یک مورخ ترک، این طوایف قبل از نگارش دفاتر تحریر عثمانی (در سال ۱۷۲۸ م.) به شهر کوچ کرده بودند (Bilgili, 2004, p. 172). چشم‌انداز عمومی وضعیت نژادی - دینی شهر ارومیه در جدول ۳ مشخص شده است

تعداد تقریبی جمعیت	مودیان مالیاتی	اهالی
۷۲۷۰ نفر	۱۴۵۴ نفر	ترک و ترکمن
۲۲۵ نفر	۴۵ نفر	یهودی
۳۵ نفر	۷ نفر	غیرمسلمان (مسیحی)

جدول ۳

تعداد جمعیت و مودیان مالیاتی
شهر ارومیه به نسبت نژاد و دین
منبع: دفتر مفصل لوای ارومیه، صص ۱۷۹-۲۰۲.

با همین استناد مشخص می‌شود که از ۷۵۳۰ نفر اهالی شهر، ۷۲۷۰ نفر مسلمان (۹۶۷٪ درصد)، ۲۲۵ نفر یهودی (۳/۱ درصد) و ۳۵ نفر غیرمسلمان (مسیحی) (۰/۵ درصد) بوده‌اند. همین‌طور معلوم می‌شود که ۱۲۰۰ مودی مالیاتی از میان عشایر و طوایف بوده‌اند که جمعیت تقریبی ایشان بالغ بر ۶۰۰۰ نفر می‌گردد.

فعالیت‌های اقتصادی رایج در لوای ارومیه

می‌توان گفت که بیشتر اهالی ارومیه در زمین‌های مختلف کشاورزی مشغول به کار بودند. زمین‌های بارور و شرایط مناسب داد و ستد در این اقلیم سبب می‌شد که تمامی انواع محصولات دانه‌ای کشت شود. از سوی دیگر، شرایط مناسب، اشتغال اهالی به دامداری، زنبورداری، باغداری، و صیفی‌کاری را هم امکان‌پذیر می‌ساخت. به استناد داده‌های نسخه



می توان از مقدار دقیق محصولات سالانه کشاورزی در تولیداتی مانند گندم، جو، پنبه، برنج، علوفه و کتان آگاهی یافت. از محصولات دانه‌ای، مالیاتی به نام «خمس غلات» گرفته می شد که با یک پنجم کل محصول به دست آمده برابری می کرد. با همین دستورالعمل میزان تولید غلات در تاریخ مورد نظر به شرح زیر بدست می آید:

۹۸۱۹ کیله^۱ گندم، ۵۰۳۰ کیله جو، ۱۹۳۲ کیله ارزن.

باتبدیل این اعداد به کیلو و ضرب آن در پنج مشخص می شود که در دوره مورد نظر در کل منطقه ارومیه ۱/۲۲۷/۳۷۵ کیلو گندم، ۶۲۸/۷۵۰ کیلو جو، و ۲۴۱/۵۰۰ کیلو ارزن تولید می گردید. در همین زمان، از محصولاتی مانند پنبه، برنج، علوفه، و کتان مالیاتی بنام «عشر» گرفته می شد که برابر با یک دهم محصول به دست آمده بود. بر همین اساس، در تاریخ مورد نظر، در منطقه ارومیه ۳۷۸/۷۵۰ کیلو برنج، ۴۶۱/۹۷۰ کیلو پنبه، و ۱۰۹/۷۵۰ کیلو برنج و علوفه تولید می شد.

به استناد داده‌های اطلاعاتی این نسخه معلوم می شود با وجود فلاکت‌های طبیعی و خساراتی که جنگ‌های مستمر و مکرر به بار آورده بود، لوای ارومیه از لحاظ تولیدات کشاورزی منطقه‌ای آباد و پر ثمر محسوب می شد. در همین زمان، از باغداران، مالیاتی بنام «عشر باغبان» (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۰۵) و «عشر میوه» (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۸۸)، و از صیفی کاران مالیاتی به نام «عشر بوستان» (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۳۳) گرفته می شد که مساوی ده یک محصولات به دست آمده بود. اهالی ارومیه، در این زمان، ۴۳۵/۷۱۸ آغچا به عنوان مالیات باغ و بوستان به خزانه دولتی پراختند. با این حساب، معلوم می شود ارزش محصولات تولیدی برابر با ۴/۳۵۴/۱۸۰ آغچا بوده است (۵۰۲۴ کیلو گرم نقره). از زنبورداران نیز مالیاتی ده درصدی به نام «عشر کواره»^۲ گرفته می شد (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۰۹) که حجم سالانه آن معادل ۵۷/۹۴۸ آغچا بود، یعنی ارزش مالی میزان عسل تولید شده در این منطقه در سال ۱۷۲۸ م. برابر با ۵۷۹/۴۸۰ آغچا بوده است (۶۶۸ کیلو گرم نقره).

از مفاد نسخه خطی برمی آید که بخش بزرگی از اهالی منطقه به دامداری اشتغال داشته‌اند. بنا به نوشته ممداف، دامداری اشتغال اصلی اهالی در مناطق مراغه، ارومیه، خوی، و اردبیل بوده است (Мамедов, 1993, p.58). دامداری کوچ‌نشینان با بهره‌گیری از روش‌های بیلاق و قشلاق بوده است. همچنین، معلوم می شود که نوع دامداری منحصر به گوسفندداری بوده و اهالی به ازای هر ۲-۳ گوسفند ۱ آغچا به عنوان مالیات پراخت می کردند که از آن با نام مالیات «عدد اغنام» یاد شده است (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۱۶) و با تحلیل میزان مالیات گرفته شده در این خصوص معلوم می شود که در منطقه ارومیه ۳۷/۴۲۹ رأس گوسفند وجود داشته است.

۱. کیله يك واحد اصلی در اوزان عثمانی و به طور متوسط برابر با ۲۵ کیلوگرم بود (Erhan Arıklı, 2004, p.63) (به نقل از دفتر مفصل لوای اردبیل، ص ۶۳).
۲. "Uşf-ii küvvar" (کواره به معنی کندوی عسل است).



از مراتع هم مالیات‌های متعددی با نام «رسم اوتلامای قشلاق»^۱ (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۰۴)، «رسم آغلامای قشلاق»^۲ (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۱۸۰)، «رسم گیاه‌مای یونجا»^۳ (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۲۱) و «رسم کاه»^۴ (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۱۵) گرفته می‌شد که مربوط به چراندن یا در آغل نگهداشتن گوسفندان و استفاده از علوفه تازه یا خشک بوده است.

در نسخه همچنین درباره میزان مالیات آسیاب‌های آبی مطالبی وجود دارد. از این آسیاب‌ها مالیاتی به نام «رسم آسیاب»^۵ (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۱۱) گرفته می‌شد که میزان آن بسته به روزهای کارکرد یا خراب بودن آسیاب تعیین می‌گردید (دفتر مفصل لوای ارومیه، صص ۲۰۰-۱۵۰).

همچنین، از مالیات‌های غیرکشاورزی هم در این نسخه یاد شده است؛ از جمله مالیاتی به نام «رسم عروسانه» که از روستاییان گرفته می‌شد (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۵۰) و براساس آن دختران باکره برای ازدواج ۱۲۰ آغچا و بیوه زنان برای ازدواج مجدد باید ۶۰ آغچا پرداخت می‌کردند.

مالیات‌هایی هم به نام «دشتبانی و تاپوی زمین» (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۱۸) برای محافظت از زمین‌ها گرفته می‌شد و مالیات «جرم و جنایت» هم از خلافکاران و جنایتکاران اخذ می‌شد. همین‌طور، برای یافتن و بازگرداندن بردگان فراری و یافتن حیوانات گم شده مبالغی به‌عنوان «مشتلق»^۶ (مژدگانی) گرفته می‌شد (دفتر مفصل لوای ارومیه، ص ۲۲۶).

در نسخه اطلاعات مفصلی درباره روستاهای غیرمسکونی و مقدار اراضی بایر وجود دارد. زمین‌های ۸۸ روستای متروکه - از آن با نام «مزرعه» یاد شده است - توسط روستاییان مجاور مورد کشت و زرع واقع شده است. علت ترک این روستاها وضعیت فلاکت‌بار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ساکنان پیشین بوده است. در ناحیه بناپروازه ۱۵ روستا، بلده ۴ روستا، صحراآباد ۳۰ روستا، دل ۱۲ روستا، مرکور ۲۴ روستا، و در ناحیه اشنی ۳ روستای متروکه وجود داشته و تنها در ناحیه ترکور، روستای متروکه نبوده است. بر این اساس ۲۶۳ درصد از روستاهای لوای ارومیه خالی از سکنه بود (دفتر مفصل لوای ارومیه، صص ۱۷۰-۳۵۷).

نتیجه‌گیری

دفاتر تحریر، نسخه‌های خطی منحصر به فردی هستند که حاوی اطلاعات ناب و ارزشمندی در بازشناسی اوضاع اقتصادی - اجتماعی مناطقی از ایران در ابتدای سده ۱۸ می‌باشد و با توجه به کمبود منابع دست اول از این دوران، شایسته است که مورد بازخوانی، نقد، و تحلیل و تبیین پژوهشگران تاریخ اجتماعی ایران قرار گیرد. با بررسی دفتر مفصل لوای

1. "rsm-i otdaq ma'a qshlaq"
2. "rsm-i aghil ma'a qshlaq"
3. "rsm-i giyah ma'a yonca"
4. "rsm-i kah"
5. "rsm-i asiyab"
6. mustuluq



ارومیه معلوم شد که در سال ۱۷۲۸ در ایالت ارومیه ۴۳۳۴ مودی مالیاتی وجود داشته است که اگر متوسط هر خانوار را ۵ نفر محاسبه کنیم، معلوم می‌شود در استان ارومیه ۲۱/۶۷۰ نفر زندگی می‌کردند. ایشان در نزدیک به ۷۴۱۸ هکتار زمین، انواع مختلف محصولات کشاورزی را کشت می‌کردند و اشتغال اصلی آنها دامداری، کشاورزی، و باغداری بوده است و به استناد داده‌های اطلاعاتی همین منبع ترکیب اجتماعی-دینی اهالی، طرز معیشت عمومی، نوع اشتغال، میزان درآمد و منابع آن، میزان باروری زمین‌ها، انواع محصولات دانه‌ای و لپه‌ای کشت شده، و روش‌های آبیاری را هم می‌توان به دقت و تفصیل مشخص ساخت. همچنین، معلومات بی‌بدیلی درباره وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نژادی، دینی، تاریخی، جغرافیایی، مردم‌شناختی، و دیگر موضوع‌ها می‌توان به دست آورد که در تبیین تاریخ اجتماعی-اقتصادی این ناحیه بسیار ضروری و گرانقیمت است.

منبع

کتاب‌های فارسی:

- آرونوا، م.ر؛ اشرفیان، ک. ز. (۱۳۵۲). *دولت نادرشاه افشار* (حمید مومنی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آوری، پیترو و دیگران (۱۳۸۹). *تاریخ ایران به روایت کمبریج (دوره افشار، زند و قاجار)*. (چ.۳). (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی.
- فلور، ویلم (۱۳۳۸). *حکومت نادرشاه (به روایت منابع هلندی)*. (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.
- لکه‌هات، لارنس (۱۳۳۱). *نادرشاه* (مشفق همدانی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۱). *تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی)*. (چ.۸). تهران: امیرکبیر.
- اوزگودنلی عثمان (۱۳۹۰). اسناد ایرانی در دربار عثمانی. (فرهاد دشتکی نیامترجم). *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۵۸، ۹۶-۱۰۱.
- اوزگودنلی، عثمان و دیگران (۱۳۹۰). ایران عثمانی ۱: گزارش‌های تحریر عثمانی درباره غرب ایران و آذربایجان (تقسیمات جغرافیایی و اداری). *پیام بهارستان*، ۳(۱۱)، ۷۹۸-۸۴۱.

کتاب‌های ترکی و آذری

Arıklı, Erhan (Araşdırmanın və transliterasiyanın müəllifi) (2004). *Ərdəbil livasının müfəssəl dəftəri*. Bakı.



- Başbakanlık Osmanlı Arşivi**.Mühimmə Dəftərləri.N 133.
- Bilgili, Əli Sinan(2004). **Osmanlı İran ve Azerbaycanı. I (16.ve 18. Yüzyillar so-
syal ve ekonomik tarih)**.Erzurum,.
- Bünyadov,Ziya;Məmmədov(Qaramanlı)Hüsaməddin. (Araşdırma,tərcümə, qeyd və
əlavələrin müəllifləri). (1996).**İrəvan əyalətinin icmal dəftəri**.Bakı: Elm.
- Dəftər-i mufassal livə-i Xalxal və livə-i Urumi**-İstanbul Başbakanlık Osmanlı
Arşivi, Tapu-tahrir defterleri,N 910.
- Defter-i icmal eyalet-i İrevan**. İstanbul,Başbakanlık Arşivi, Tapu-tahrir defterleri.N
681
- Defter-i icmal eyalet-i Gence-Karabağ**. İstanbul, Başbakanlık Arşivi, Tapu-tahrir
defterleri, N 699
- Günday, Dündar(1989). **Arşiv Belgelerinde Siyakat Yazısı Özellikleri ve Divan
Rakamları**.(2.baskı).Ankara: TTK Basımevi.
- Məmmədov(Qaramanlı), Hüsaməddin (Önsöz, tərcümə, qeyd və şərhlərin müəllifi).
(2000). **Gəncə-Qarabağ əyalətinin müfəssəl dəftəri**. Bakı:Şuşa.
- Məmmədov (Qaramanlı), Hüsaməddin (Araşdırma, qeyd və şərhlərin müəllifi).
(2001).**Naxçıvan sancağının müfəssəl dəftəri**. Bünyadov, Ziya; Hüsaməddin
Məmmədov (Qaramanlı)(Tərcümə edənlər). Bakı:Elm.
- Mustafayev, Şahin Giriş(tərcümə və qeydlərin müəllifi)(2001)**Tiflis əyalətinin
müfəssəl dəftəri.Borçalı və Qazax (1728-ci il)**. Bakı:Pedaqogika.
- Tarih-i İsmayıl Asım (Küçük Çelebizade)Efendi**. İstanbul,1282(qamari).
- کتاب های روسی :
رتال جامع علوم انسانی
- Пигулевская, Н.Б.;Якубовская, Д.И.;Петрушевски, Н.Р.;Строева, Л.Б.;Еленитски,
Л.М.(1958).**История Ирана с древнейших времен до конца XVIII в.**
- Мамедов, С.А(1993). **Азербайджан по источникам XV-первой половины XVIII
в.**Баку:
Ленинград:
- Мустафаев, Ш.М.(1994).**Восточная Анатолия от Ак-коюнлу к Османской**

империи. Москва:

Тверитиновой, А.С. (материалы и документы.составление и комментарии.)

(1963).*Аграрный строй Османской Империи XV-XVII в.* Москва:

مقاله انگلیسی:

Coşgel .Metin M.(2004). Ottoman Tax Registers (Tahrir Defterleri). *Historical*

Methods, 37(2).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

